

گره کور در پرونده عروس فراری که پدرشوهرش را کتک زد



شناسه خبر: ۱۴۱۲۵۵ یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۸:۳۱

شامگاه پانزدهم بهمن سال ۱۴۰۱ مرد جوانی پدر ۷۰ ساله اش را که بشدت زخمی بود به بیمارستان رساند و پیرمرد تحت عمل جراحی قرار گرفت.

به گزارش موج خبر، مرد جوان در ادامه با شکایت به پلیس گفت: همسرم، برادرش و دو نفر از دوستانشان در غیاب من به خانه پدرم حمله کرده و این بلا را سر پیرمرد آوردند.

وی در تشریح ماجرا گفت: من و همسرم به تازگی با هم ازدواج کرده ایم. اما از همان روزهای اول بشدت با هم اختلاف داشتیم تا اینکه همسرم چند روز قبل قهر کرده و به خانه پدری اش رفت. من با او تماس گرفتم تا به خانه برگردد اما قبول نکرد. وقتی هم که من خانه نبودم آنها به خانه پدرم رفتند و آنقدر او را زدند که نیمه جان شده بود همان موقع مادرم با من تماس گرفت و من وقتی خودم را به آنجا رساندم، آنها فرار کرده بودند.

با این شکایت مأموران به سراغ نو عروس و برادرش رفتند و موفق شدند برادر ۴۰ ساله وی و دو دوستش را بازداشت کنند اما عروس فراری بود. در ادامه نیز پزشکان اعلام کردند پیرمرد به خاطر ضربه به سرش دچار آسیب مغزی شده و دیگر قادر به حرف زدن و راه رفتن نیست.

نخستین جلسه دادگاه

پرونده چهار متهم با صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. این درحالی بود که مأموران نتوانستند ردی از عروس فراری بیابند.

در نخستین جلسه دادگاه پیرمرد که روی ویلچر نشسته بود در دادگاه حاضر شد و پسرش از سوی وی شکایت خود را مطرح و برای متهمان درخواست اشد مجازات کرد.

سپس برادر عروس که با قرار وثیقه آزاد بود روبه روی قضات ایستاد و گفت: خواهرم در خانه همسرش یک روز خوش ندید و مدام با همسر معتادش اختلاف داشت. آن روز به درخواست خواهرم همراه دو دوستم به خانه پدر شوهرش رفتم تا با پدر و مادر او صحبت کنم. من می‌خواستم میانجیگری کنم و به اختلافات پایان دهم. اما آنها شروع به داد و فریاد کردند و ما آنجا را ترک کردیم. من نمی‌دانم چطور چنین بلایی سر پیرمرد آمده است که قادر به راه رفتن و تکلم نیست. من اتهام را قبول ندارم. ممکن است او به خاطر کهولت سن سخته کرده باشد و گرنه من با چاقو او را نزدم. از خواهرم هم بی‌خبرم و نمی‌دانم کجاست.

دومین جلسه دادگاه

در دومین جلسه رسیدگی به این پرونده داماد جوان گفت: پدرم معجزه آسا زنده ماند. اما قادر به حرکت و تکلم نیست. طی چندین عمل جراحی پزشکان در جمجمه پدرم پلاتین گذاشته‌اند و باز هم باید تحت عمل جراحی قرار بگیرد. او می‌گوید سه متهم با هم او را کتک زده‌اند و به همین خاطر از هر سه نفر شکایت داریم.

اما در ادامه هر سه متهم منکر کتک زدن پیرمرد شدند.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به تناقض گویی‌های متهمان ادامه جلسه را به بعد موکول کردند.

سومین جلسه دادگاه

در سومین جلسه رسیدگی به پرونده بار دیگر شاکی درخواست اشد مجازات کرد و گفت من به هیچ قیمتی حاضر به گذشت نیستم و برای متهمان اشد مجازات می‌خواهم.

این بار برادر عروس خانواده در جایگاه متهم ایستاد و گفت: آن روز وقتی من و دوستانم مقابل خانه پدرشوهر خواهرم رفتیم دامادمان در خودرواش نشسته و شاهد ماجرا بود. او چون به مواد مخدر اعتیاد دارد از ترسش از ماشین پیاده نشد. ولی ماجرا را دید. او می‌داند من ضربه‌ای با چاقو به پدرش نزدم و در این ماجرا بی‌گناه هستم. من فقط به آنجا رفته بودم تا با پدرش صحبت کنم.

با اظهارات جدید مرد جوان قضات دادگاه پرونده را به دادسرا برگرداندند تا با نقطه زنی تلفن همراه تازه داماد مشخص شود آیا وی روز حادثه در محل حضور داشته است یا خیر و اگر شاهد ماجرا بوده چرا سکوت کرده است.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/